

خلاصه فارسی از اصل مقاله "قدرت و ترغیب" تهیه شده توسط محسن سازگارا، مشخصات مقاله از این قرار است:

Power and persuasion: Nonviolent strategies to influence state security forces in Serbia (2000) and Ukraine (2004)

Written by Anika Locke Binnendijk , Ivan Marovic

Communist and Post-Communist Studies, August 2006
Available online at www.sciencedirect.com

قدرت و ترغیب:

استراتژی‌های کنش بی خشونت برای تاثیرگذاری بر نیروهای امنیتی، صربستان (۲۰۰۰) و اوکراین (۲۰۰۴)

در جریان جنبش آپتور در صربستان برای سرنگونی میلوسویچ و انقلاب نارنجی در اوکراین، سازمان‌دهندگان استراتژی‌های مشخصی را برای افزایش هزینه سرکوب و کاهش تمایل نیروهای امنیتی برای اقدام به خشونت طراحی کردند. سازمان‌دهندگان با به کارگیری ترکیبی از استراتژی‌های ترغیب و ممانعت که برای نهادهای سرکوبگر طراحی شده بود، توانستند مانع سرکوبی ویرانگر شوند. از آنجا که نیروهای امنیتی در رژیم‌های غیر دمکراتیک، عامل اصلی نگه داشتن آن‌ها در قدرت است، استراتژیست‌های کنش بی‌خشونت بر این باورند که تضعیف وفاداری و اطاعت از رژیم در بین نیروهای امنیتی باید از اهداف اولیه جنبش‌های غیرمسلحانه باشد.

جنبش آپتور در صربستان برای سرنگونی میلوسویچ و انقلاب نارنجی اوکراین هر دو به این هدف رسیدند. در این مطلب به استراتژی‌های این دو جنبش خواهیم پرداخت.

آموختن از گذشته

رهبری هر دو جنبش در صربستان و اوکراین از تجربه شکست‌های قبلی خود برای طراحی استراتژی‌های جدید بهره بردند. در اوکراین کمپ‌های چادری و اعتراضات سال‌های

۹۰ موفقیت اندکی در برابر رژیم اقتدارگرای لئونید کوچما داشت. در پائیز ۲۰۰۰، قتل وحشتناک روزنامه نگار اوکراینی که گفته می‌شود به دستور کوچما بود، موجی از اعتراضات را در سراسر کشور برانگیخت. اگرچه اپوزیسیون تهدید کرده بود ۲۰۰ هزار نفر را به خیابان‌ها خواهد آورد، ولی جمعیتی که آمدند حداکثر بین ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر بودند. در مارس ۲۰۰۱ تظاهرات به اوج خود رسید و درگیری‌های خشونت‌بار بین تظاهرکنندگان و پلیس به فروپاشی جنبش مخالفین انجامید.

سازمان دهندگان صربی از شکست تظاهرات ضد میلوسویچ در سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۷ درس‌های مهمی آموختند. تظاهراتی که با گریه وزاری به پایان رسید، برای این که نتوانستند مردم را برای مدت طولانی در خیابان‌ها نگه دارند. با توجه به این شکست‌ها استراتژیست‌های آپور در صربستان به این نتیجه رسیدند که دو هدف عمده در برنامه‌ریزی آن‌ها برای آینده باید منظور شود. هدف اول این که برای مقابله با میلوسویچ باید به سرعت حد اقل یک میلیون تظاهر کننده را به خیابان‌ها بکشانند و هدف دوم این که اطمینان یابند نیروهای امنیتی صرب دستور تیراندازی را اجرا نمی‌کنند.

آپور تصمیم گرفت هم زمان با پیگیری اهداف خود، رعایت دیسپلین کنش‌های بی‌خشونت را در میان صفوف خود در اولویت قرار دهد. برنامه ریزان اوکراین هم به همین نتیجه رسیدند. یکی از معماران اولیه تظاهرات نارنجی اوکراین بعدها نوشت: ما در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ تحلیل دقیقی از علل شکست تظاهرات قبلی کردیم. دلایل اصلی شکست این‌ها بودند: مشارکت کم مردم در تظاهرات و ماهیت تهاجمی این رویدادها. بنابراین به این نتیجه رسیدیم که باید تا آن جا که می‌توانیم افراد بیشتری را برای تظاهرات بیاوریم و نگذاریم تظاهر کنندگان حالت تهاجمی داشته باشند. می‌دانستیم که هیچ واحد ویژه نظامی جرئت حمله به چنین جمعیت انبوهی را ندارد.

در هر دو مورد انتخابات رسوا و پرتقلب شرایطی را به وجود آورد که جنبش‌ها توانستند تعداد زیادی از شهروندان را بسیج کنند. پس از جعل و تحریف نتایج انتخابات توسط میلوسویچ، اپوزیسیون خواستار تظاهرات در مقابل مجلس فدرال شد. ۸۰۰ هزار نفر در سراسر صربستان در تظاهرات شرکت کردند. در اوکراین، در نخستین روز، بیش از صد هزار نفر معترض، به دعوت ویکتور یوشچنکو رهبر اپوزیسیون، در میدان استقلال که به "میدان" معروف است، جمع شدند. طی ۲۴ ساعت بعد تعداد جمعیت تقریباً دوبرابر شد. تا چهارشنبه ۲۴ نوامبر صدها هزار نفر از مناطق مختلف کشور وارد شدند و تا پایان هفته بنابر بسیاری از برآوردها، بیش از یک میلیون اوکراینی در کیف جمع شده بودند. بسیج سریع توده‌ای که

هر دو جنبش از آن برخوردار بودند، سبب شد که هزینه سرکوب برای رژیم‌ها به میزان قابل توجهی بالا برود. در حالی که در گذشته روش‌های معمول رژیم برای سرکوب مانند حمله به خانه‌ها، بازداشت، ضرب و شتم و ترور مخالفین خطرات نسبتاً کمی برای تحریک و واکنش شدید مردم داشت، سرکوب عمده صدها هزار نفر ضربه‌ای سنگین برای رژیمی بود که از مدت‌ها قبل مشروعیتش آسیب پذیر شده بود.

بررسی‌های تاکتیکی نتایجی استراتژیک به بار آورد. آتیور بر توانایی خود برای بستن خیابان‌های تنگ بلغراد توسط معترضین حساب کرد و به این ترتیب مانع از حرکت سریع نیروهای امنیتی و خودروهای آن‌ها شد. او کرایه‌ها هم ثابت کردند که ورودی‌های عقبی میدان را می‌توان به سادگی مسدود کرد. تمرکز اولیه آن‌ها بر پرکردن فضای سمبولیک میدان استقلال از جمعیت بود که برای پیروزی اهمیتی حیاتی داشت. اپوزیسیون نهایتاً از توانایی خود برای رسیدن به این هدف شگفت‌زده شد. در هر دو مورد انبوه جمعیت سبب شد که پراکنده کردن تظاهرکنندگان توسط رژیم با اشکال مواجه شود. رژیم نمی‌توانست دست به فعالیت‌های پرخطر زده و به خصوص مسئله اطاعت نیروهای امنیتی را به مخاطره اندازد.

جین شارپ یکی از نظریه پردازان اصلی درگیری‌های بی‌خشونت می‌گوید: "جمعیت انبوه اگر نتواند دیسیپلین کنش‌های بی‌خشونت را رعایت کند، جنبش را تضعیف خواهد کرد" و از سوی دیگر می‌نویسد: "ولی با رعایت استانداردها و دیسیپلین‌های لازم، شکست ناپذیر خواهد بود"

نتیجه آن که بسیار مهم بود که از فعالیت‌های تحریک آمیز غیر ضروری خودداری شده و خطای گذشته در روی آوردن به خشونت تکرار نشود. هر دو جنبش، رعایت دیسیپلین کنش‌های بی‌خشونت را الزامی نموده و برنامه‌هایی را برای آموزش سازمان دادند تا داوطلبین را برای لحظات برخورد با پلیس و نیروهای امنیتی آماده سازند.

شکستن چماق رژیم:

رهبران جنبش نهایتاً به این نکته پی بردند که ممکن است رهبران رده بالای رژیم به این تصمیم برسند که بهایی که برای سازش می‌پردازند بیشتر از سرکوب خشونت‌آمیز است. در صربستان میلو سوویچ اگر به مخالفین اجازه پیروزی می‌داد، با باخت سیاسی و شخصی ویرانگری مواجه می‌شد. در اوکراین، گرچه کوچما در آستانه ترک پست ریاست جمهوری بود، ولی الیگارشی وابسته به او در صورت پیروزی یوشچنکو چیزهای زیادی را از دست

می‌دادند. در هر دو کشور، دولت‌ها کوشش‌هایی برای توسل به خشونت کردند. بنابراین بسیار مهم بود که جنبش‌ها تلاش کنند تا کارایی ابزار سرکوب را که رژیم به آن‌ها متکی بود، کاهش دهند. یک ناظر غربی انقلاب نارنجی را به اختصار چنین تعریف می‌کند "چه می‌کنید اگر بخواهید از چماق استفاده کنید، ولی چماق در دست‌های شما بشکند؟"

نیروهای مسلح:

در اوکراین و صربستان که رژیم‌ها به نحو فزاینده‌ای برای تقویت نیروی پلیس به جای ارتش سرمایه‌گذاری کرده بودند، جنبش‌ها اطمینان داشتند که می‌توانند سربازان را تشویق کنند که حداقل بی‌طرف بمانند. اکثریت سربازان وظیفه را در هر دو کشور معمولاً جوانانی تشکیل می‌دهند که با دوستان و خانواده خود در تماس هستند و وابستگی سیاسی آن‌ها معمولاً شبیه دوستان غیرنظامی‌اشان می‌باشد. در هر دو کشور وضعیت نیروهای مسلح در سال‌های اخیر بسیار بدتر شده بود. ارتش ملی یوگوسلاوی تیتو احساس می‌کرد که رژیم ارزش کمتری برای آن‌ها از پلیس قائل است و این احساس در ارتش اوکراین نیز وجود داشت. اپوزیسیون بر روی این مسئله در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سرمایه‌گذاری کرد و بر محرومیت نسبی نظامیان و نیز پیشنهادهایی برای بهبود وضع آن‌ها تاکید می‌کرد.

در حقیقت رهبری اپوزیسیون صربستان دو ژنرال بازنشسته را در جمع خود پذیرفتند که یکی از آن‌ها رئیس ستاد سابق ارتش بود و این انتخاب‌ها سبب شد که اعتبار آپتورا افزایش بی‌سابقه‌ای یابد. در نهایت، گرچه ارتش نیروهای خود را در حومه بلگراد بسیج کرده بود، ولی هرگز به طور جدی سعی نکرد که وارد مرکز شهر شود. در اوکراین زمانی که یک فرمانده بازنشسته نیروی هوایی به نام آنتونس به اپوزیسیون پیوست. تماس‌های محرمانه با ارتش برقرار شد. آنتونس از طریق شبکه‌ای از داوطلبین با رده‌های میانی ارتش تماس گرفت و سرانجام به توافقی دست یافت که رده‌های پایین ارتش در سرکوب دخالت نکنند و حتی مانع دخالت پلیس شوند. در شب ۲۸ نوامبر که نیروهای پلیس در حومه کیف به حالت آماده‌باش درآمدند، این موافقت نامه‌ها اثرات خود را نشان دادند. رئیس ستاد ارتش وزارت کشور را تهدید کرد که سربازان غیرمسلح خود را بین مردم و نیروهای پلیس قرار خواهد داد و به این ترتیب مانع حمله پلیس شد. در هر دو کشور صربستان و اوکراین، نیروی به شدت سیاسی پلیس، تهدید بیشتری برای فعالیت جنبش بود تا ارتش ملی. پلیس نیروی حرفه‌ای بود که بر اساس قانون اساسی مسئولیت نظم عمومی را به عهده داشت و به همین دلیل هویت آن با رژیم حاکم گره خورده بود. بخشی از حمایت نیروهای رده پایین امنیتی از رهبران رژیم به دلیل تلقیناتی بود که رژیم برای جذب آن‌ها به کار می‌برد. در اوکراین ویدئوهایی ظاهر شد

که نشان می‌داد چگونه در ایستگاه‌های پلیس به نیروهای امنیتی القاء می‌کردند که اپوزیسیون پلیس را تحقیر می‌کند و در هر دو کشور، نمایندگان دولت برای بی‌اعتبار کردن دانشجویان، آن‌ها را تحت عنوان تروریست و معتادین مواد مخدر معرفی می‌کردند. بنابراین، هر دو جنبش برای رسیدن به اهداف خود لازم بود که اعتبار رژیم را تا آن جا که می‌توانند کاهش داده و مجریان قانون را نسبت به مشروعیت اپوزیسیون متقاعد سازند. چون آپتور سازمانی مطلقاً بی‌خسونت بود و انتخابات را تنها ابزار قانونی برای تغییر می‌شناخت. آن‌ها امیدوار بودند که افسران در جریان بازجویی به این اطلاعات خارج از انتظار دست یافته و انگیزه‌های دولت را زیر سوال ببرند. استراتژی به شدت موفق بود. بازداشت اعضای آپتور افزایش می‌یافت، ولی هم زمان با آن سازمان گسترش یافته و اتهامات رژیم نیز بی‌اعتبارتر می‌شد. آن‌ها در گفتگو با پلیس دروغ‌های رژیم را افشاء می‌کردند و سعی می‌کردند پلیس را متقاعد کنند که رژیم رفتنی است و دلیلی برای حمایت از آن وجود ندارد. در صربستان تماس‌هایی بی‌سروصدا و در عین حال فشرده در طول ده روز، بین روزهای ۲۵ سپتامبر، روز اعلام نتایج انتخابات و ۵ اکتبر، بین فرماندهان پلیس و رهبران سیاسی اپوزیسیون صورت گرفت. برخی از فرماندهان پلیس علناً اعلام کردند علیه اپوزیسیون وارد عمل خواهند شد، ولی بلافاصله اخراج شدند. زوران جینجیگ بعدها گفت: در جلسه شب پنج‌شنبه (۵ اکتبر) بسیاری از فرماندهان پلیس تصمیم گرفتند که دخالت نکنند و ما از این تصمیم اطلاع داشتیم. آن‌ها به ما گفتند، به ما دستور مداخله خواهند داد، ولی نگران نباشید ما دستورات را اجرا خواهیم کرد و دقیقاً همین اتفاق افتاد. در اوکراین به گفته یکی از فعالین "زمانی طولانی تلاش کردیم تا آن‌ها را متقاعد کنیم که قدرت قدیمی رفتنی است و سرپا نخواهد ماند. در هر صورت پیامی مهم بود که باید فرستاده می‌شد". شرط موفقیت آن‌ها در کوشش‌هایشان این بود که اپوزیسیون بتواند حمایت عمده مردمی کسب کند. ولادیمیر فیلنکو می‌گوید "تماس‌های بین پلیس و اپوزیسیون قبل از آن که مردم به خیابان‌ها بیایند به هیچ نتیجه‌ای نرسید، ولی وقتی که مردم به خیابان‌ها آمدند، آن تماس‌ها سرانجام نتیجه داد. بدون حضور جمعیت انبوه در خیابان‌ها نه مذاکره‌ای در کار بود و نه توافقی. چنین جلساتی تنها به شرط حضور مردم می‌توانست برگزار شود.

نیروی‌های ویژه:

دو عامل مهم در استراتژی بازدارندگی جنبش‌های اپوزیسیون نقش داشتند. عامل اول نسبت تعداد تظاهرکنندگان به تعداد نیروهای امنیتی در خدمت رژیم بود. در صربستان اگرچه آپتور نمی‌دانست که واکنش نیروهای ویژه در برابر تظاهرات انبوه چه خواهد بود، ولی از یک

چیز مطمئن بود، آن هم این که اگر یک میلیون نفر به خیابان‌های بلغراد بیایند، امکان ندارد که نیروهای امنیتی بتوانند جمعیت را بدون گشودن آتش بر روی آن‌ها متفرق نمایند و آن‌ها می‌دانستند که رژیم بیش از ۳۰۰ نفر مسلح در اختیار ندارد. در اوکراین نیز به گفته یکی از منابعی که در آن زمان حاضر بود، برای فرماندهان نیروهای ویژه و مسئولین، بقیه سرویس‌ها روشن بود که وزارت کشور منابع انسانی و تجهیزات محدودی برای متفرق کردن مسالمت آمیز تظاهرکنندگان در میدان در اختیار دارد. دومین مسئله مهم عدم توازن بین عمل‌کرد نیروهای مختلف بود. در اوکراین یکی از ناظرین اشاره می‌کند که "نیروهای ویژه وزارت کشور به خوبی به مفهوم بازی "سنگ، کاغذ، قیچی" آشنا بودند به این معنی که نیروهای وزارت کشور تظاهرکنندگان را می‌زنند و ارتش نیروهای وزارت کشور را می‌زند".

نتیجه:

توجه استراتژیک به نیروهای امنیتی حکومت، ممکن است به این سه عملکرد مهم مبارزه بی‌خسونت در صحنه نبرد خدمت کند: دفاع، بازدارندگی و وادار کردن دفاعی، در این صورت ممکن است که تاثیر سلاح‌های خسونت‌آمیز رژیم علیه جنبش و متحدینش خنثی شود. با افزایش هزینه سرکوب، ظرفیت رژیم برای سرکوب اپوزیسیون کاهش می‌یابد و ممکن است که رهبری رژیم از به کار بردن قوه قهریه به کلی منصرف شود. سرانجام، جنبش با تضعیف مراکز قدرت رژیم ممکن است آن را وادار به انجام اعمالی کند که در شرایط عادی انجام نمی‌داد، مانند پذیرش میانجی‌گری بین‌المللی، استانداردهای جدید برای انتخابات و یا حتی واگذار کردن قدرت.

اگرچه به علت تفاوت در ویژگی‌های ساختاری هر مبارزه، تعمیم دادن فرمول‌های تاکتیکی منع می‌شود، ولی برخی موارد مشترک را می‌توان در مبارزات صربستان و اوکراین دید. اول آن که هر دو جنبش توانستند بهای سرکوب را برای زنجیره فرماندهی نیروهای امنیتی بالا ببرند. در هر دو مورد، جنبش‌ها توانستند انبوه جمعیت را به خیابان‌ها بکشانند، از توجه بین‌المللی بهره ببرند و پوشش غیر رسمی رسانه‌ها را داشته باشند. دوم آن که هر کدام از این جنبش‌ها حمایت عمومی گسترده‌ای از اهداف سیاسی خود را به نمایش گذاشتند که نشانه‌ای از امکان پیروزی بالقوه آن‌ها بود و سبب شد که افراد رده‌های پایین پلیس و ارتش که نفع اندکی در بقای رژیم داشتند و بیشتر به خانواده و جوامع محلی خود وابسته بودند، از رژیم فاصله بگیرند. سوم آن که با استفاده از روش نظارت بر خود و رعایت دیسپلین

کنش‌های بی‌خشونت توانستند برخورد‌های غیرضروری با پلیس را به حداقل برسانند
وتلاش‌های رژیم برای تروریست‌نشان دادن آن‌ها را بی‌اثرکنند. علی‌رغم این که انتظار
نمی‌رفت که رژیم بدون خون‌ریزی قدرت را رها کند، مجموعه این تلاش‌ها سبب
گذار سیاسی بدون ویرانی و خشونت شد.